



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۷

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات مجوزه قبول جوائز السلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

## بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين

### مقدمه

همانطور که قبلاً بیان شد، چند دسته از روایات برای اثبات مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع و نفوذ تصرفات آنها مورد تمسک قرار گرفته است. یک دسته از روایات مربوط به جواز قبول عمل سلطان و کارگزاری برای او بود که هم از جهت سندی، دلالی و تلازم با نفوذ تصرفات سلطان مورد بررسی قرار گرفت.

دسته دیگر، روایاتی هستند که تحت عنوان "جوائز السلطان" در فقه مطرح شده‌اند و شامل مجموع روایاتی است که دلالت بر جواز قبول اموالی که از طرف حاکم جور و دستگاه‌های حاکمیتی می‌رسد (از طریق جایزه، تجارت، ...) دارد. با این توضیح که تجویز اخذ چنین اموالی دلالت بر این دارد که طرق اخذ آنها (یعنی معاملاتی که با آنها انجام گرفته) باطل نبوده بلکه مشروع و لازم الوفاء است و این به معنای نفوذ تصرفات دستگاه حاکم نسبت به این اموال است (ولو اینکه مالکیت را برای آنها نپذیریم).

مرحوم شیخ حر عاملی در سه باب از وسائل الشیعه عمده روایات مربوطه را در سه باب از ابواب ما یکتسب به (۵۱، ۵۲، ۵۳) آورده‌اند، که هم‌اکنون به روایات باب ۵۱ (بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمٌ وَ كَيْلُ الْوَقْفِ الْمُسْتَحَلِّ لَهُ) می‌پردازیم:

### روایت اول

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا تَرَى فِي رَجُلٍ يَلِي أَعْمَالَ السُّلْطَانِ لَيْسَ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَ أَنَا أَمُرُّ بِهِ فَأَنْزِلُ عَلَيْهِ فَيُضِيفُنِي وَ يُحْسِنُ إِلَيَّ وَ رَبَّمَا أَمَرَ لِي بِالذَّرْهِمِ وَ الْكِسْوَةِ وَ قَدْ صَاقَ صَدْرِي مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ لِي كُلْ وَ خُذْ مِنْهُ فَلَكَ الْمَهْنَةُ وَ عَلَيْهِ الْوِزْرُ. وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ أَيْضاً بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ مِثْلَهُ<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمٌ وَ كَيْلُ الْوَقْفِ الْمُسْتَحَلِّ لَهُ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۳



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۷

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات مجوزه قبول جوائز السلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

ترجمه: ابو ولاد گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم درباره شخصی که متصدی کارهای دولت شده و راه درآمدی جز آن ندارد (مراد، دولت جائز است) و من بر او وارد می‌شوم، وی از من پذیرائی کرده، به من احسان می‌نماید و چه بسا اتفاق می‌افتد که پول یا لباسی بمن می‌بخشد و من از این امر دلم گرفته و ناراحتم، چه حکمی می‌فرمائید؟ حضرت فرمود: آنچه به تو می‌دهد از او بستان و بخور، بر تو گواراست و برای او وزر و وبال.

### بررسی سندی:

الف. سند شیخ به حسن بن محبوب:

مرحوم شیخ چند سند به حسن بن محبوب دارد، و اگرچه به سندی که در مشیخه تهذیب آمده اشکال شده ولی سندی که در فهرست به جمیع کتب و روایات حسن بن محبوب ذکر شده است صحیح می‌باشد.

ب. سایر راویان:

حسن بن محبوب و ابی ولاد از ثقات هستند.

### نتیجه:

سند روایت صحیح است فلذا در کتب از آن با عنوان صحیحه ابی ولاد یاد شده است.

### بررسی دلالی:

الف. بررسی اطلاق روایت:

از آنجا که امام علیه السلام استفصال نکرده اند تجویز ایشان در مورد جواز اخذ اموال مربوط به حکومت جور، به جهاتی اطلاق دارد:

۱. چه احتمال وجود اموال حلال میان اموال کارگزار حکومت باشد چه نباشد (علم تفصیلی به نامشروع بودن تمام اموال باشد).

۲. چه کارگزار، شیعه باشد و به جهات مشروع کارگزاری را پذیرفته باشد و چه این گونه نباشد.

بلکه با توجه به تعبیر "لَيْسَ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنْ أَعْمَالِهِمْ" در سوال ابی ولاد و تعبیر "فَلَكَ الْمَهْنُ وَ عَلَيْهِ الْوُزْرُ" در پاسخ امام علیه السلام معلوم می‌شود که درآمد شخص از طریق نامشروع بوده است، و حداقل این است که تمام اموال او حلال نبوده است. بله، اطلاق تجویز اخذ، نسبت به اموال معلوم المالک مربوط به شخص خاص که دولت جائز عدوانا از او اخذ کرده و غصب کرده است، منصرف است.

ب. دلالت روایت نسبت به مالکیت سلطان یا نفوذ تصرفات او:



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۷

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات مجوزه قبول جوائز السلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

روایت هیچ گونه دلالتی بر مالکیت دولت جائز ندارد، به علاوه اینکه دلالت آن بیشتر از اجازه اخذ و تصرف در مال ندارد، و صحت عقود آنها (که در اینجا هبه مورد نظر است) نمی‌کند.

ج. بیان قاعده شرعی یا انشاء حکم ولایی:

معلوم نیست که امام علیه السلام در اینجا از حیث ولایی ورود پیدا کرده‌اند و تصرف در اموال را از جهت ولایت بر اموالی مانند اموال عمومی، انفال و مجهول المالک، برای ابی‌ولاد تحلیل کرده‌اند یا هبه عامل سلطان را تنفیذ کرده‌اند یا اینکه پاسخ ایشان در مقام بیان حکم شرعی در مورد نفوذ تصرفات عاملین دستگاه جور به عنوان اولی بوده است.

**نتیجه:**

با توجه به اینکه از طرفی اصل حضور دولت جائز در این جایگاه، غاصبانه است و طبق قاعده، تصرفات آنها نامشروع است و از طرف دیگر روایت دلالت روشنی بر صحت و نافذ بودن تصرفات دولت جور ندارد، نمی‌توان ملتزم به مشروعیت تصرفات آنها از طریق این روایت شد.

### روایت دوم

و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أُمِّرُ بِالْعَامِلِ فَيَجِيزُنِي بِالذَّرَاهِمِ أَخْذُهَا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ أَحْجَّ بِهَا قَالَ نَعَمْ. در وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ مِثْلَهُ وَ زَادَ قَالَ نَعَمْ وَ حَجَّ بِهَا.<sup>۱</sup>

[ترجمه: داود بن مثنی (ابو المغرا) گوید: مردی از امام صادق علیه السلام در حضور من سؤال کرد و گفت:-- خداوند به شما خیر دهد - من گاهی بر یکی از کارمندان دولت می‌گذرم و بر او وارد می‌شوم یا به حاکمی می‌رسم و او هدیه یا جایزه‌ای به من می‌دهد آیا جایز است از وی بستانم؟ فرمود: آری، پرسیدم: با آن می‌توانم حج خانه خدا را بجای آورم؟ فرمود: آری (و با آن مال حج بجای آر).]

روایت از جهت سندی تام است ولی به جهت دلالتی اشکال روایت قبلی را دارد یعنی امام علیه السلام اولاً تنها اخذ مال و استفاده از آن را تجویز کرده‌اند و لزوماً به معنای مالکیت دستگاه حاکم یا مشروعیت تصرفات آنها به نیست. ثانیاً احتمال دارد حضرت بیان یک حکم اولی شرعی در مورد اخذ اموال از طریق دستگاه حاکم جور نکرده باشند بلکه به موجب ولایت بر اموالی مانند اموال عمومی، انفال، مجهول المالک، اخذ و تصرف در آن اموال را برای مخاطب تجویز فرموده باشند.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَغْلَمَ حَرَاماً بَعِيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمُ وَكَيْلِ الْوَقْفِ الْمُسْتَحْلِلِ لَهُ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۳



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۷

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات مجوزه قبول جوائز السلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

### روایت سوم

وَعَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هِشَامٍ أَوْ غَيْرِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَمْرٌ بِالْعَامِلِ فَيَصْلُنِي بِالصَّلَةِ أَفَبَلَّهَا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ أَحُجَّ مِنْهَا قَالَ نَعَمْ وَ حُجَّ مِنْهَا.<sup>۱</sup>

روایت از جهت سندی و دلالتی مانند روایت قبلی است با این تفاوت که اولاً در اینجا ابن ابی عمیر از ابی المغراء و ایشان از شخص دیگری نقل روایت می کند و ثانیاً سند این روایت به خاطر تعبیر "أَوْ غَيْرِهِ" صحیح نیست چراکه معلوم نیست مراد چه کسی است. به علاوه اینکه وثاقت خود محمد بن هشام نیز ثابت نیست. اشکالات دلالتی در روایت قبلی در اینجا نیز مطرح است.

### روایت چهارم

وَعَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع كَانَا يَقْبَلَانِ جَوَائِزَ مُعَاوِيَةَ.<sup>۲</sup>

روایت در اینجا نیز دلالت بر مشروعیت تصرفات معاویه به حکم اولی شرع را ندارد، به خصوص اینکه در اینجا عمل امام علیه السلام نقل شده (نه قول ایشان) که می تواند ذو وجوه باشد، و محتمل است قبول جوایز به خاطر این بوده باشد که امام علیه السلام در این اموال ذی حق بوده اند.

### روایت پنجم

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ قَالَا سَمِعْنَاهُ يَقُولُ جَوَائِزَ الْعُمَّالِ لَيْسَ بِهَا بَأْسٌ.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمُ وَكَيْلِ الْوَقْفِ الْمُسْتَحْلِلِ لَهُ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۴

<sup>۲</sup> وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمُ وَكَيْلِ الْوَقْفِ الْمُسْتَحْلِلِ لَهُ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۴

<sup>۳</sup> وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمُ وَكَيْلِ الْوَقْفِ الْمُسْتَحْلِلِ لَهُ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۴



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۷

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات مجوزه قبول جوائز السلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

در این روایت نیز دو احتمال وجود دارد:

۱. بیان مشروعیت تصرفات عمال سلطان به حکم اولی

۲. انشاء حکم ولایی برای تحلیل اخذ اموال از عمال سلطان: اگر حکمی ولایی شد به دست ولی شرعی در هر زمان است، و حداقل در مورد حکم ائمه علیهم السلام می‌توان گفت تا به وسیله ولی بعدی نقض نشده است، می‌توان به آن اخذ کرد و نیازی به تنفیذ مجدد توسط ولی بعدی نیست.

از جهت اطلاق نیز همانطور که سابقاً بیان شد، نسبت به اموال معلوم المالک خاص که عدوانا از آن‌ها اخذ شده، منصرف است.

### روایت ششم

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عِنْدَهُ إِسْمَاعِيلُ ابْنُهُ فَقَالَ مَا يَمْنَعُ ابْنَ أَبِي السَّمَالِ أَنْ يُخْرِجَ شَبَابَ الشَّيْعَةِ - فَيَكْفُونَهُ مَا يَكْفِيهِ النَّاسُ وَ يُعْطِيَهُمْ مَا يُعْطِي النَّاسَ ثُمَّ قَالَ لِي لِمَ تَرَكْتَ عَطَاءَكَ قَالَ مَخَافَةً عَلَى دِينِي قَالَ مَا مَنَعَ ابْنَ أَبِي السَّمَالِ أَنْ يَبْعَثَ إِلَيْكَ بِعَطَائِكَ أَوْ مَا عَلِمَ أَنَّ لَكَ فِي بَيْتِ الْمَالِ نَصِيباً<sup>۱</sup>

ترجمه: ابوبکر الحضرمی می‌گوید: بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم و اسماعیل فرزندشان نیز آن‌جا بود و فرمودند: چه چیز مانع ابن ابی سمّال است که جوانان شیعه را به کار گیرد تا همان کاری که دیگران برای او انجام می‌دهند، آنان انجام دهند و آن‌چه را که به دیگران می‌دهد، به آن‌ها بدهد؟! سپس به من فرمودند چرا عطایت (سهمت) را نگرفتی؟ عرض کرد به خاطر ترس از دینم نگرفتم. فرمودند: ابن ابی سمّال را چه چیزی منع کرده که سهم تو را برای بفرستد؟! آیا نمی‌داند برای تو از بیت المال نصیبی هست؟!]

روایت از نظری سندی ظاهراً تام است. از نظر دلالتی به قرینه ذیل روایت معلوم می‌شود ابن ابی سمّال کارگزار حکومت بوده است. اما فقره اول روایت که امام علیه السلام نسبت به خدمت نکردن ابن ابی سمّال به جوانان شیعه انتقاد می‌کند مربوط به بحث‌های گذشته است که بیان شد بیش از تجویز خدمت آن شخص نسبت به شیعه دلالتی ندارد و نمی‌تواند

<sup>۱</sup> وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه - ۵۱ - بَابُ أَنَّ جَوَائِزَ الظَّالِمِ وَ طَعَامَهُ حَلَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَكْسَبٌ إِلَّا مِنَ الْوَلَايَةِ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ حَرَاماً بِعَيْنِهِ وَ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْاجْتِنَابُ وَ حُكْمُ وَكِيلِ الْوَقْفِ الْمُسْتَحْلٍ لَهُ - مجلد ۱۷، صفحه ۲۱۴



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۷

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع (روایات مجوزه قبول جوائز السلطان) تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

دلیل برای نفوذ تصرفات سلطان جائز محسوب شود. اما فقره دوم، حضرت تجویز اخذ سهم و حق خود شخص از بیت المال می‌کنند، فلذا این بخش از روایت نیز دلالتی بر نفوذ تصرفات سلطان ندارد.